

سهم نابرابر گروه‌های کم‌صدا از اطلاعات (مروری بر دسترسی آزاد به اطلاعات از دریچه مطالعات فرهنگی)

آرمین امیر^۱

تاریخ دریافت: ۰۰/۲/۲۰۰۷، تاریخ تایید: ۰۰/۷/۲۰۰۷

DOI: 10.22034/JCSC.2021.541138.2479

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی فرهنگ به‌عنوان عاملی توأمان توانمندساز و محدودکننده در دسترسی همگانی به اطلاعات در ایران است؛ موضوعی که توجه جامعه جهانی به آن، نشان‌دهنده نگرانی در خصوص مشارکت شهروندان و پاسخگویی دولت‌ها در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره است. دسترسی آزاد به اطلاعات در بسیاری از کشورها به‌عنوان یک حق سیاسی و مدنی درک شده است و یکی از پیامدهای بلافصل آن شکل‌گیری دموکراسی مشارکتی و مشورتی است؛ چراکه دسترسی آزاد به اطلاعات، امکان مداخله شهروندان در رویه‌های عمومی را فراهم می‌کند و این امر، لزوم پاسخگو بودن دولت را ایجاب می‌کند. علاوه بر این، توانمند شدن شهروندان و به‌خصوص گروه‌های حاشیه‌نشین یا به تعبیر دیگر گروه‌های خاموشی مانند فقرا، بی‌سوادان و حتی در برخی موارد زنان که به دلیل وجود نابرابری ناشی از روابط قدرت در بین گروه‌های اجتماعی، از دسترسی‌های نابرابری برخوردار هستند، یکی دیگر از دلایلی است که لزوم دسترسی آزاد به اطلاعات را برجسته می‌کند. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که با دسترسی آزاد به اطلاعات، بستری در جهت ارتقای سطح سلامت، آموزش، بهداشت، درآمد و حتی حفاظت و صیانت از حقوق انسانی برای گروه‌های ذکر شده فراهم شده است. در این پژوهش، علاوه بر مرور ادبیات نظری و پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، با پرداختن به لزوم حق دسترسی همگانی به اطلاعات، چشم‌اندازی از وضعیت موجود در ایران ارائه داده‌ایم. از این رو، پرسش ما در این مقاله، این است که کدام عوامل و موانع فرهنگی در دسترسی شهروندان به اطلاعات اثرگذار هستند؟

واژگان کلیدی: دسترسی به اطلاعات، جریان آزاد اطلاعات، توانمندی، گروه‌های خاموش، موانع فرهنگی

۱ استادیار گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، armin.amir@atu.ac.ir

مقدمه

حق آزادی اطلاعات^۱ را می‌توان به‌مثابه حق دسترسی به اطلاعات نگهداری شده توسط ارگان‌های عمومی تعریف کرد. همان‌طور که در قطعنامه^۲ ۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۳ در سال ۱۹۴۶ تصویب شده و در ماده^۴ ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۳ (۱۹۴۸) آمده است؛ حق آزادی، شامل آزادی «جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و ایده‌ها از طریق هر رسانه و بدون توجه به مرزها» است (سایت یونسکو^۴، رؤیت شده در ۲۷ شهریور ۱۳۹۹). آن‌چنان که در ماده^۵ ۱۹ این قانون آمده است، این حق برای همه افراد^۵ به‌صورت یکسان در نظر گرفته شده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر مندرج در سایت دفتر نمایندگی عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد^۶، رؤیت شده در ۲۷ شهریور ۱۳۹۹). علاوه بر اسناد یادشده در بالا، آزادی اطلاعات به‌عنوان نتیجه آزادی بیان در سایر اسناد مهم بین‌المللی از جمله عهدنامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۷ (۱۹۶۶) و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۸ (۱۹۶۹) نیز گنجانده شده است. در برخی از اسناد بین‌المللی متأخرتر نیز اهمیت آزادی اطلاعات مورد توجه قرار گرفته است. مثلاً در اعلامیه بریزین در مورد آزادی اطلاعات^۹، حق دانستن مورد توجه قرار گرفته است (۲۰۱۰)؛ همچنین اعلامیه ماپوتو در مورد تقویت آزادی بیان، دسترسی به اطلاعات و توانمندسازی مردم^{۱۰} (۲۰۰۸) و اعلامیه داکار درباره رسانه و حکمرانی خوب^{۱۱} (۲۰۰۵) نیز همگی بر این موضوع توجه داشته‌اند (سایت یونسکو، رؤیت شده در ۲۷ شهریور ۱۳۹۹).

روند پیشرفت حق دسترسی آزاد به اطلاعات در طی سالیان گذشته، روندی بسیار خوب بوده است؛ این حق نهمین بار در سال ۱۷۶۶ در قانون مطبوعات سوئد و برای روزنامه‌نگاران به رسمیت شناخته شد، اما شناسایی گسترده آن در سطح بین‌المللی در اوایل قرن بیستم صورت گرفته است. ظهور و مطالبه این حق و گسترش آن در پیوند با اضمحلال اقتدارگرایی و

۱ . Freedom of Information (FOI)

۲ . Resolution 59 of the UN General Assembly

۳ . Universal Declaration of Human Rights

۴ . <http://www.unesco.org/new/en/communication-and-information/freedom-of-expression/freedom-of-information/browse/2/>

۵ . در متن این قانون از کلمه "هر کس" استفاده شده است یعنی "Everyone"

۶ . <https://www.ohchr.org/EN/UDHR/Pages/Language.aspx?LangID=eng>

۷ . International Covenant on Civil and Political Rights

۸ . American Convention on Human Rights

۹ . Brisbane Declaration on Freedom of Information

۱۰ . The Maputo Declaration on Fostering Freedom of Expression, Access to Information and Empowerment of People

۱۱ . The Dakar Declaration on Media and Good Governance

ظهور دموکراسی‌های جدید از دهه ۱۹۸۰ بوده است و در ابتدا کشورهای توسعه‌یافته پیش‌تاز تصویب این حق بودند (عین‌الهی، ۱۳۹۲: ۸۶ به نقل از هوشیدری فراهانی، حسن‌زاده و زندیان، ۱۳۹۷: ۴۱) و امروزه با تصویب موجی از قوانین اطلاعات عمومی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز این حق را به رسمیت شناخته‌اند؛ تا جایی که در سال ۱۹۹۰ فقط ۱۳ کشور قوانین ملی اطلاعات آزاد را تصویب کرده بودند (سایت یونسکو، رؤیت شده در ۲۷ شهریور ۱۳۹۹)، اما در حال حاضر، حداقل ۱۱۲ کشور، حق دسترسی آزاد به اطلاعات را تا سال ۲۰۱۶ به تصویب رسانده‌اند (مرکز قانون دموکراسی، ۲۰۱۶ به نقل از فینک^۱، ۲۰۱۸: ۳). ذکر این نکته لازم است که یکی از عواملی که در این روند گسترش اثرگذار بوده؛ اقدامات نهادهایی چون بانک جهانی، صندوق جهانی پول و دیگر نهادهایی است که وام و کمک‌هایی در اختیار کشورها قرار می‌دهند. این نهادها تصویب قوانینی در زمینه حق دسترسی به اطلاعات را ملازم شفاف شدن رفتار حکومت‌ها و کاهش فساد دانسته‌اند و در نتیجه، آن را پیش‌شرط دریافت کمک‌ها قرار داده‌اند (اکبری آلاشتی، ۱۳۸۸: ۸).

همان‌طور که رلی و گولیر^۲ (۲۰۱۰) بیان کرده‌اند، تصویب قانون حق دسترسی آزاد به اطلاعات کشورهای مختلف بنا بر دلایل و روند متفاوتی محقق شده است. مثلاً در برخی از کشورها، تصویب این قانون در مسیر تحکیم دموکراسی و پیشبرد مسئولیت‌پذیری دولت ایجاد شده است. برای برخی دیگر از کشورها که در پی رشد اقتصادی و مهار فساد بودند، این قانون یک دغدغه اساسی بوده است و در پی این بعد ایجاد شده است (Blanton, 2002; Darbshire & Carson, 2006; Halstuk, 2008). به نقل از (Relly & Guillier, 2010: 360). شماری از کشورها قانون حق دسترسی آزاد به اطلاعات را برای ایجاد اعتماد عمومی در شرایطی تصویب کردند که بحران‌های داخلی منجر به زیر سؤال رفتن دولت از سوی مردم شده بود (Grigorescu, 2003 به نقل از همان). تعدادی دیگر نیز توافقات محیط زیستی منطقه‌ای امضا کردند که آنها را به رعایت قانون دسترسی آزاد به اطلاعات متعهد می‌کرد و برخی از کشورها نیز این قانون را به‌عنوان شرط دریافت کمک‌های مالی یا عضویت در سازمان‌های بین‌دولتی به تصویب رساندند (Ackerman & Ballestros, 2006; Banisar, 2006; Roberts,) 2006; Relly & Sabharwal, 2009 به نقل از همان)

1. Fink

2. Relly & Guillier

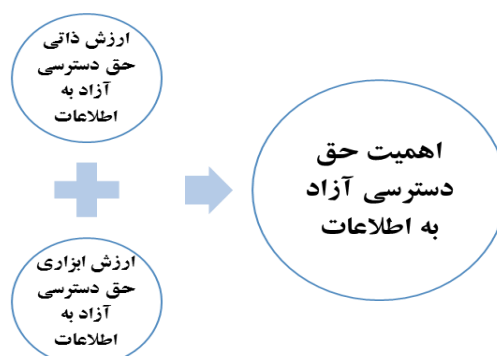
اگر بخواهیم نگاهی خلاصه بر این قانون در کشور داشته باشیم، باید چنین گفت که قانون «حق انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» در ایران سابقه‌ای یازده ساله دارد. این قانون به‌عنوان لایحه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، در سال ۱۳۸۳ از سوی دولت وقت (دولت سید محمد خاتمی) به مجلس تقدیم شد (هوشیدری فراهانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۲-۴۱) و پس از فراز و نشیب‌های بسیار زیاد، در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۳۱ بعد از تصویب از سوی مجلس از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز تأیید گردید (قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ به نقل از اکبری آلاشتی، ۱۳۸۸: ۸). در آبان سال ۱۳۹۳ آیین نامه کلی این قانون به تصویب هیئت وزیران رسید و آذر همان سال برای اجرا به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد (هوشیدری فراهانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۲).

این قانون، مشتمل بر شش فصل و ۲۳ ماده می‌باشد. فصل اول قانون مذکور به تعاریف و کلیات اختصاص دارد، در فصل دوم، آیین دسترسی به اطلاعات مورد توجه قرار گرفته است، در فصل سوم، ترویج شفافیت مورد اشاره می‌باشد، فصل چهارم، به استثنائات دسترسی به اطلاعات اختصاص دارد، کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات موضوع فصل پنجم این قانون می‌باشد و در فصل آخر، مسئولیت‌های مدنی و کیفری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، ۱۳۸۸ مندرج در سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).

بر اساس این قانون، هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی^۱ را دارد، مگر آنکه قانون منع کرده باشد. به علاوه استفاده از این اطلاعات و انتشار آنها تابع قوانین و مقررات خواهد بود. بنابراین هیچ شخصی حق ندارد اطلاعاتی که به‌وسیله او تهیه شده، ولی در جریان آماده‌سازی آن برای انتشار تغییر یافته است را منتشر کند.^۲ بر اساس این قانون، اجبار تهیه کنندگان و اشاعه‌دهندگان اطلاعات به افشای اطلاعات خود، مگر به حکم مقام صالح قضایی ممنوع است. همچنین مؤسسات عمومی مکلف می‌باشند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترس مردم قرار دهند (قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ به نقل از همان: ۸ و ۹).

۱. بر اساس بند (ج) ماده (۱)، منظور از اطلاعات عمومی، اطلاعاتی غیرمشخصی نظیر ضوابط و آیین‌نامه‌ها، آمار و ارقام ملی و رسمی، اسناد و مکاتبات اداری که از مصادیق مستثنیات فصل چهارم قانون نباشد، می‌باشد.
 ۲. بر اساس ماده (۳) قانون، اگر این اطلاعات به سفارش دیگری تهیه شده باشد، تابع قرارداد بین آن‌ها خواهد بود.

فارغ از علت تصویب و هدف دولت‌ها از این موضوع، مهم آن است که دسترسی آزاد به اطلاعات برای شهروندان یک ضرورت است. عدم دسترسی همگانی به اطلاعات، منجر به فهم نادرست و یا عدم شناخت قانون می‌شود که می‌تواند پیامدهای منفی جدی برای عدالت، دموکراسی، اصلاح قانون، توسعه کشور، حاکمیت قانون و غیره در پی داشته باشد (Mitee, 2017: 1430). به تعبیری اهمیت حق دسترسی آزاد به اطلاعات را می‌توان از دو جهت بررسی کرد: (۱) ارزش ذاتی حق دسترسی آزاد به اطلاعات، (۲) ارزش ابزاری حق دسترسی آزاد به اطلاعات. مراد از اهمیت به‌دلیل ارزش ذاتی آن است که این حق، جزء حقوق پایه شهروندان به‌شمار می‌رود و به خودی خود ارزشمند است؛ زیرا که پاسخگویی به یک حق را تأمین می‌کند و مراد از ارزش ابزاری آن است که حق دسترسی آزاد به اطلاعات از آن‌رو که می‌تواند در صورت اجرای صحیح منجر به شفافیت بیشتر و پاسخگویی مناسب‌تر حکومت‌ها شود، سطوح بالاتری از فرصت برابر را برای شهروندان میسر کند، ارتقای توانمندی آنها را موجب شود، به مشارکت بیشتر بیانجامد، بستری برای دستیابی به سایر حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را فراهم کند و... ارزشمند است. در اهمیت از منظر ارزش ذاتی، دسترسی آزاد به اطلاعات خود هدف است و فارغ از آثار و پیامدها به خودی خود به‌منظور تحقق حق، ارزشمند است و در اهمیت از منظر ارزش ابزاری، دسترسی آزاد به اطلاعات از آنجا که می‌تواند ابزاری در جهت رسیدن به هدف‌های مختلف باشد، دارای اهمیت خواهد بود. بهمنی (۱۳۸۴) این تفکیک را در دو دسته ماهیت‌گرایی و هدف‌گرایی قرار داده است (به نقل از دهکردی و افراسیابی، ۱۳۹۴: ۷۷).



شکل شماره ۱. علت اهمیت حق دسترسی آزاد به اطلاعات از منظر ارزشمندی آن

آنچه ما در این مقاله، سعی بر انجام آن داریم؛ آن است که از منظر فرهنگی به دسترسی همگانی به اطلاعات نگاه کنیم، بدین معنا که این دسترسی تحت تأثیر چه زمینه‌های فرهنگی امکان‌پذیر است و کدام عوامل فرهنگی مانع از دسترسی افراد به اطلاعات می‌شود. از این رو، تلاش می‌کنیم با مرور مبانی نظری و تجربی در حوزه دسترسی همگانی به اطلاعات، به مطالعه این فرایندها و چگونگی سازوکار آنها بپردازیم و عطف به یکی از مهم‌ترین عوامل و پیامدهای مفروض دسترسی همگانی به اطلاعات که توانمندی افراد است به این موضوع بپردازیم که وضعیت گروه‌های حاشیه‌نشین یا به تعبیر دیگر گروه‌های خاموش مانند فقرا، بی‌سوادان یا افراد با سطح تحصیلات پایین، معلولان و حتی در برخی موارد زنان از نظر وجود نابرابری ناشی از روابط قدرت در بین گروه‌های اجتماعی، در زمینه دسترسی آزاد به اطلاعات چگونه است و نابرابری‌های موجود در این زمینه را مورد توجه قرار دهیم. این موضوع از آن نظر اهمیت دارد که صدای گروه‌های خاموش شنیده نمی‌شود و به دلیل فقدان قدرت، دسترسی آنها به منابع قدرت از جمله اطلاعات محدود و حتی سلب می‌شود.

پیشینه پژوهش

دسترسی همگانی به اطلاعات، موضوعی است که مورد توجه محققان متعددی با رویکردهای مختلفی قرار گرفته است. مثلاً برخی از پژوهشگران به بررسی این مفهوم در معنای عام و از منظر حقوقی آن پرداخته‌اند (Relly & Sabharwal, 2009؛ هوشیدری فراهانی، حسن زاده و زندیان، ۱۳۹۷؛ سلیمان دهکردی و افراسیابی، ۱۳۹۴).

ریلی و سابه‌اروال (۲۰۰۹) در مطالعه خود به این موضوع پرداخته‌اند که در دو دهه گذشته، در سراسر جهان قوانینی برای دستیابی به اطلاعات با سرعتی بسیار زیاد تصویب شده است. به‌زعم این محققان معتقدند این اقدام را می‌توان به‌مثابه یک اصلاح در سیاست اطلاعات حکومت‌ها در گستره جهانی دانست. با توجه به تعامل فزاینده بین دولت‌ها و شرکت‌های فراملی و تأکید جهانی بر دسترسی به اطلاعات، این مطالعه بین‌المللی رابطه بین درک مدیران شرکتی از شفافیت در سیاستگذاری دولت را بررسی می‌کند. بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه، کشورهایی که به‌عنوان «شفاف‌ترین» رتبه‌بندی شده‌اند، در سطوح بالاتر، تعداد قابل توجهی از قوانین دسترسی به اطلاعات، زیرساخت‌های ارتباط از راه دور، دولت الکترونیکی، مطبوعات آزاد و سطح درآمد بالاتر نسبت به سایر کشورها با سطح شفافیت پایین قرار دارند. یافته‌های

رگرسیون این پژوهش نشان می‌دهد که زیرساخت‌های ارتباط از راه دور و مطبوعات آزاد بر برداشت از شفافیت دولت به صورت قابل توجه تأثیر می‌گذارند (Relly & Sabharwal, 2009:148).

هوشیدری فراهانی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه خود به تبیین بسترهای پیاده‌سازی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نخبگان آزادی اطلاعات، لوازم و بسترهای لازم جهت اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران را در قالب هفت مقوله اصلی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اداری، فنی و بستر اقتصادی بیان کرده و در زمینه فراهم‌آوری آنها معتقد به اولویت‌بندی هستند، در این اولویت‌بندی، «فرهنگ» به دلیل اهمیتی که دارد، جایگاه مهمی را به خود اختصاص می‌دهد.

سلیمان دهکردی و افراسیابی (۱۳۹۴) در مطالعه خود با عنوان حق دسترسی آزاد به اطلاعات در نظام حقوقی بین‌المللی و ملی به بررسی مبانی نظری و اسناد حقوق بشر دسترسی آزاد به اطلاعات و به بررسی این حق در نظام حقوقی ایران پرداخته‌اند. بر اساس این مطالعه، نظریه‌هایی که این حق را بیان می‌کنند، به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ برخی از آنها ماهیت‌گرا هستند و صرف حق دسترسی به اطلاعات را از حقوق بنیادین بشر می‌پندارند و برخی دیگر نیز از مزایای این حق در توسعه و رشد جامعه سخن می‌گویند. براساس نتایج حاصل از این مطالعه، در نظام حقوقی ایران این حق به رسمیت شناخته شده است، لیکن این قانون، ایراداتی دارد که مانع از اجرای مؤثر و صحیح می‌شود و لازم است که در راستای حل این ایرادها کوشش صورت گیرد (سلیمان دهکردی و افراسیابی، ۱۳۹۴: ۷۵).

برخی از مطالعات، تأثیر دسترسی به اطلاعات را بر توانمندسازی مورد توجه قرار داده‌اند (باروی و پاندای، ۲۰۱۵؛ سورش، ۲۰۱۱؛ جین و ساراف، ۲۰۱۳) که در زیر به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

باروی و پاندای^۱ (۲۰۱۵) در مطالعه خود به این موضوع می‌پردازند که دسترسی به اطلاعات چگونه موجب توانمندسازی افراد می‌شود. نمونه مورد بررسی آنها مرکز اطلاعات و خدمات اتحادیه (UISC) است. نویسندگان با استفاده از این مصداق، استدلال می‌کنند که دسترسی بهتر به اطلاعات، می‌تواند تأثیر عمده‌ای در توانمندسازی شهروندان در بنگلادش

1 . Baroi & Panday

2 . Union Information and Service Centre

داشته باشد و همبستگی قوی بین دسترسی اطلاعات و توانمندسازی را شرح و بسط می‌دهند. این مقاله، همچنین بیان می‌کند که دسترسی به اطلاعات، توانایی افراد در انتخاب خود را افزایش می‌دهد که این موضوع، نظر کبیر در مورد توانمندسازی و تأثیر توانایی انتخاب در آن را تأیید می‌کند (Baroi & Panday, 2015:1)

سورش^۱ (۲۰۱۱) در مطالعه خود به تأثیر ICT^۲ بر توانمندسازی زنان در هند پرداخته است. در این مطالعه، فناوری اطلاعات و ارتباطات به مثابه یک امر دو وجهی در نظر گرفته شده است؛ یعنی از یک سو فرصتی است که تأثیرات بی‌ظنیری را برای توسعه انسانی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد کرده است و از سوی دیگر شکاف‌هایی بر مبنای دسترسی نابرابر بین مناطق مختلف، گروه‌های جنسیتی و طبقات اقتصادی و اجتماعی ایجاد کرده است. در این مطالعه، زنان به‌عنوان گروهی مهم و اثرگذار بر حوزه‌های مختلف شناخته شده‌اند که لزوم توانمندسازی آنان امری ضروری است (Suresh, 2011: 17). در این مطالعه، ICT بر توانمندسازی در حوزه‌های مختلفی اعم از اقتصاد و امرار معاش، سلامت، آموزش به‌صورت الکترونیکی، ظرفیت‌سازی و در اختیار قرار دادن اطلاعات مؤثر دانسته شده است. در ارتباط با مورد اطلاعات که با پژوهش حاضر، مرتبط است، ICT به‌عنوان ابزاری در جهت در اختیار گذاشتن جریان اطلاعاتی مبتنی بر حقوق زنان در نظر گرفته شده است که می‌تواند در راستای تدوین و انتشار اطلاعات این حوزه مؤثر باشد و همچنین در مورد موضوعاتی مانند خشونت خانگی و سایر حوزه‌های مرتبط به آنان کمک کنند (همان: ۲۲-۲۰). این موضوع هم از سوی نهادهای بین‌المللی مانند صندوق توسعه سازمان ملل متحد برای زنان^۳ و هم از سوی فعالان حقوق زنان در سطوح ملی مورد توجه قرار گرفته است (همان: ۲۲).

جین و ساراف^۴ (۲۰۱۳) در مطالعه خود به این موضوع می‌پردازند که اطلاعات در تحولات اقتصادی اجتماعی مدرن، نقشی اساسی دارد. پژوهش آنان در مورد کشور هند است و از این رو به قانون اطلاعات مصوب ۲۰۰۵ در این کشور اشاره می‌کنند که برای همه شهروندان و از جمله شهروندان بی‌خانمان و بی‌بضاعت و دارای نیازهای ویژه نیز تصویب شده است. بر طبق این قانون، مردم می‌توانند از سیاست‌ها و فعالیت‌های دولت برای ریشه‌کن کردن فقر درخواست اطلاعات کنند تا ببینند چه اقداماتی انجام شده است و وضعیت به چه صورت است.

1 . SURESH
2 . Information and Communication Technology
3 . UNIFEM
4 . Jain & Saraf

پژوهشگران اشاره می‌کنند که دولت هند، سیاست‌های مختلف را مبتنی بر ICT برای ریشه‌کن کردن فقر با مشارکت بخش عمومی و خصوصی آغاز کرده است، اما در واقع افراد نیازمند واقعی از این سیاست‌ها آگاهی ندارند، بنابراین آنها قادر به انجام فعالیت و استفاده از آن خدمات نیستند. بنابراین اجرای صحیح و عملکرد مناسب، حق دسترسی به اطلاعات و بهره‌گیری از خدمات کتابخانه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز اطلاعاتی را در بین افراد فقیر ایجاد کند؛ به طوری که آنها از حقوق خود آگاهی یافته و سطح زندگی خود را بهبود ببخشند.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که اینترنت، کتابخانه‌ها و سایر رسانه‌های اجتماعی کاربران را با جریان اطلاعات توانمند می‌کنند. پژوهشگران چنین نتیجه می‌گیرند که اگر حق دسترسی به اطلاعات را به طور مؤثر اجرا نمایند، منجر به ایجاد دموکراسی واقعی خواهد شد. به زعم ایشان تنها گردش آزاد اطلاعات می‌تواند شکاف دیجیتالی / اطلاعاتی را در بین شهروندان کاهش دهد. از آنجا که تعدادی قوانین ملی و بین‌المللی در رابطه با حق اطلاعات وجود دارد، بنابراین نیاز به اعمال مؤثر آنها برای منافع انسان‌های فقیر و شهروندان آسیب‌پذیر در راستای افزایش آگاهی، توانمندی و اتکا به خود و حصول دموکراسی واقعی ضروری است (Jain & Saraf, 2013: 47).

برخی از پژوهشگران به بررسی این مفهوم در ارتباط با حکمرانی و دولت پرداخته‌اند (اسلام^۱، ۲۰۰۶؛ برلینر، اینگرامز و پیتروسکی^۲، ۲۰۱۸؛ فینک، ۲۰۱۸؛ رلیا^۳، ۱۹۸۰) که برای نمونه به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

اسلام (۲۰۰۶) در مطالعه خود، ارتباط بین جریان اطلاعات و حاکمیت را بررسی کرده است. در این مطالعه، یک شاخص جدید با عنوان «شاخص شفافیت» مورد توجه قرار گرفته است که فراوانی بروزرسانی داده‌های اقتصادی دولت‌ها را که در اختیار عموم قرار می‌گیرد، مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله، همچنین از وجود قانون آزادی اطلاعات و مدت زمان وجود آن به عنوان شاخص منعکس‌کننده کل قانونگذاری برای شفافیت استفاده شده است. بر اساس نتایج این مطالعه، برآورد رگرسیون بین کشوری، نشان می‌دهد کشورهایی که جریان اطلاعات بهتری دارند، حکومت بهتری نیز دارند (Islam, 2006: 121).

1. Islam
2. BERLINER, INGRAMS & PIOTROWSKI
3 . RELYEA

برلاینر و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه خود حق دسترسی آزاد به اطلاعات را در بستر دولت باز^۱ مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. به‌زعم ایشان جریان دسترسی آزاد به اطلاعات، عنصری حیاتی از روند سیاسی آمریکاست که با ذات دموکراسی گره خورده است. هرچند که اجرای این قانون همواره با مقاومت و ضعف در اجرا روبه‌رو بوده است، لیکن ظهور و بروز ایده دولت باز کمک کرده است تا دسترسی آزاد به اطلاعات به‌عنوان یک ابزار ضروری و جدی در جهت ارتقای شفافیت و پاسخگویی دولت که از اصول دولت باز است، به‌کار گرفته شود. در یک نگاه کلی دولت باز مفهومی اعم از قانون دسترسی آزاد به اطلاعات است که علاوه بر شفافیت، بحث‌های مربوط به ارزشمندی مشارکت عمومی و جلب همکاری را نیز شامل می‌شود و عملاً بستری است که می‌تواند اجرای هرچه مؤثرتر این حق را عملی کند (Berliner et al, 2018: 867-868).

فینک^۲ (۲۰۱۸) در مطالعه خود که پیرامون جعبه‌های سیاه دولت‌ها و نسبت آن با آزادی اطلاعات است به این موضوع می‌پردازد که یکی از کارکردهای اصلی قوانین مربوط به آزادی اطلاعات، روشن‌ساختن چند و چون عملکرد دولت‌هاست. با این حال، عملکرد دولت‌ها تحت تأثیر الگوریتم‌هایی قرار دارد که به‌عنوان جعبه‌های سیاه عمل کرده و ورودی‌ها را با استفاده از فرآیندهایی که عموماً از نظر طراحی شفاف نیستند، به خروجی تبدیل می‌کنند. قوانین مربوط به آزادی اطلاعات، یک ابزار مهم در راستای شفافیت الگوریتمی دولت‌ها هستند، ولی اینکه تا چه میزان اثربخشی لازم را در این حوزه دارند، در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته است. براساس نتایج حاصل از این مقاله، چنین تناقضاتی نیاز به مکانیسم‌های بهتر به‌منظور پاسخگویی مؤثر به الگوریتم‌های دولتی دارد (Fink, 2018: 1).

برخی از مطالعات موضوع نابرابری و شکاف در دسترسی به اطلاعات را مورد توجه قرار داده‌اند (Ono, 2012; Polat, 2012; McCloud, Okechukwu, Sorensen & Viswanath, 2016; 2005؛ حاج اسماعیلی و کاظمی، ۱۳۹۷).

مک کلاد و دیگران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «فراتر از دسترسی: موانع جستجوی اطلاعات بهداشتی در اینترنت در بین فقرا و شهرنشین» در پی پاسخ به این پرسش بوده‌اند که چگونه موانع ناشی از موقعیت پایین اقتصادی اجتماعی افراد، آنها را در دسترسی به اطلاعات

1 . OPEN GOVERNMENT
2. Fink

بهداشتی آنلاین در شرایطی که انتشار آزاد وجود دارد، محدود می‌کند. در واقع، در این پژوهش، جایگاه پایین اقتصادی و اجتماعی افراد به‌عنوان اولین عامل بازدارنده جهت کسب اطلاعات بهداشتی مورد نیاز در اینترنت در نظر گرفته شده بود که شکاف دیجیتال از پیامدهای آن بود. پاسخ از این قرار بود که فقرای شهرنشین: ۱- مهارت استفاده از اینترنت را ندارند و بنابراین دچار پدیده شکاف دیجیتال شده‌اند، ۲- ۷۰ درصد آنها وقت آزاد برای استفاده از کامپیوتر ندارند، ۳- به‌دلیل کم‌سواد، هنگامی که با حجم زیادی از اطلاعات و منابع اطلاعاتی در اینترنت مواجه‌اند، دچار سردرگمی می‌شوند.

پولات (۲۰۱۲) در مطالعه خود به بررسی شکاف دیجیتال در کشور ترکیه پرداخته است و چنین استدلال می‌کند که این شکاف منجر به محرومیت، حذف و طرد گروه‌هایی شده است که در معرض آن قرار دارند. به‌زعم وی شکاف دیجیتال، موضوعی است که به سایر نابرابری‌های اجتماعی منجر می‌شود و تقویت‌کننده آنها خواهد بود. وی چنین استدلال می‌کند که سیاست‌های فعلی ترکیه در زمینه ICT، به‌گونه‌ای است که آسیب‌پذیرترین گروه‌ها؛ یعنی افراد سالخورده، افراد دارای معلولیت، زنان و روستاییان و افرادی که زبان ترکی زبان اولشان نیست، دچار نابرابری در برخورداری می‌شوند، در حالی که این گروه‌ها بیشترین نیاز را به اطلاعات و خدمات حاصل از این فناوری‌ها دارند و اضطراب بیشتری برایشان وجود دارد (Polat, 2012:596).

اونو (۲۰۰۵) در مطالعه خود، میزان و دلایل شکاف و نابرابری دیجیتالی را در سه کشور آسیای شرقی یعنی ژاپن، کره جنوبی و سنگاپور بررسی کرده است. براساس نتایج حاصل از مطالعه او، علی‌رغم نرخ بالای انتشار کلی فناوری‌های ارتباط و اطلاعات (ICT) در هر سه کشور، هنوز شکاف آشکاری در دسترسی و استفاده بین گروه‌های مختلف جمعیتی وجود دارد. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که سن، درآمد خانوار، سطح تحصیلات و جنسیت عوامل اصلی تعیین‌کننده نابرابری دیجیتالی در هر سه کشور هستند که البته اندازه و نوع آنها تفاوت قابل توجهی در این کشورها دارد؛ مثلاً موضوع نابرابری جنسیتی در ژاپن و کره جنوبی بیش از سنگاپور مشاهده می‌شود و زنان در این دو کشور شرایط نابرابری دارند، اما در عوض موضوع تحصیلات و درآمد در سنگاپور متغیرهای تعیین‌کننده‌تری است. اونو به‌صورت مشخص، تمایزی بین دسترسی و کاربرد و استفاده مؤثر قائل می‌شود و از لزوم اقدامات سیاستی دولت‌ها به‌منظور حمایت و گسترش مهارت در کنار سرمایه‌گذاری بر بسط دسترسی صحبت می‌کند.

نتیجه مهم مطالعه اونو آن است که به طور کلی نابرابری در دسترسی و مهارت در استفاده مؤثر از ICT، نشان‌دهنده و عامل نابرابری موجود در سایر حوزه‌های اقتصاد و اجتماعی در سه کشور است و به نوعی دسترسی کمتر و مهارت مرتبط با استفاده مؤثر از این فناوری‌ها بر تمام حوزه های اقتصادی و اجتماعی یک جامعه می‌تواند اثرگذار باشد (Ono, 2005: 21-22).

در ایران نیز برخی از پژوهش‌ها به بررسی وضعیت کشور در این زمینه پرداخته‌اند. مثلاً حاج اسماعیلی و کاظمی (۱۳۹۷) در مطالعه خود با عنوان مقایسه سطوح چهارگانه شکاف دیجیتالی بر حسب متغیرهای جمعیتی (مورد مطالعه: شهر رفسنجان)، به بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی بر شکاف دیجیتالی پرداخته‌اند. طبق نتایج حاصل از مطالعه آنها، متغیر جنسیت در دسترسی فیزیکی و مادی و سواد و مهارت دیجیتال اثرگذار است و مردان در این زمینه، وضعیت بهتری دارند. متغیر وضعیت تأهل نیز یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر این وضعیت است و افراد مجرد از نظر دسترسی انگیزشی و سواد و مهارت دیجیتالی وضعیت بهتری دارند. در این مطالعه، متغیر سن نیز در این شکاف و نابرابری قابل بحث و بررسی است؛ به گونه‌ای که افراد در محدوده سنی ۲۰ تا ۴۰ سال در انواع دسترسی‌ها وضعیت بهتری دارند و با افزایش سن، دسترسی‌ها کاهش و شکاف دیجیتالی افزایش می‌یابد. همچنین پایگاه اقتصادی اجتماعی با متغیرهایی مانند شغل و درآمد و تحصیلات نیز در این زمینه اثرگذار است و افرادی که پایگاه بالاتری دارند، دسترسی‌های بیشتری نیز دارند. نتیجه نهایی این مطالعه، آن است که متغیرهای جمعیت‌شناختی در ایجاد و گسترش شکاف دیجیتالی نقش تعیین کننده‌ای را ایفا می‌کنند (حاج اسماعیلی و کاظمی، ۱۳۹۷: ۲۷).

تعداد قابل توجهی از تحقیقات نیز قانون دسترسی آزاد به اطلاعات را در سراسر جهان مورد مطالعه قرار داده‌اند (Youm, 2001; Grigorescu, 2002; Banisar, 2006; Halstuk, 2008; Mendel, 2008 به نقل از Rely & Guillier, 2010: 36 و Rely & Guillier, 2010). به عنوان مثال، ریلی و گولیئر (۲۰۱۰) در پژوهش خود با عنوان «شاخص‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دسترسی به اطلاعات در کشورهای عربی و غیر عربی» با تحلیل ۱۲ شاخص کمی که عوامل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را می‌سنجیدند به تحلیل تطبیقی یافته‌ها پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش، نشان داد کشورهای عربی در هر سه حوزه نامبرده شده، در تضاد کامل با کشورهای غیرعربی هستند که قانون آزادی اطلاعات را به تصویب رسانده‌اند. این مطالعه، همچنین نشان داد کشورهایایی که جزو جدیدترین پذیرندگان این قانون هستند، بستر سیاسی،

فرهنگی و اقتصادی ضعیف‌تری برای دسترسی شهروندان به اطلاعات دولتی دارند و حتی اگر شرایط اقتصادی مهیا باشد، باز هم زمینه‌های سیاسی و فرهنگی موجود در کشورهای عربی، مانعی اساسی برای شفافیت دولت به‌شمار می‌روند. شاخص‌های فرهنگی که در این پژوهش، مورد سنجش قرار گرفتند؛ عبارت بودند از ادراک فساد، کثرت‌گرایی ساختاری و حقوق اجتماعی که با شاخص برابری جنسیتی سنجیده شده است.

مبانی نظری

رابطه فرهنگ و دسترسی آزاد به اطلاعات

با وجود تصویب این قانون در بسیاری از کشورها، همچنان عواملی وجود دارد که به‌عنوان مانع در مسیر دسترسی همگانی به اطلاعات دخیل هستند. برخی از این موانع، به حوزه فرهنگ باز می‌گردد که در ادامه، با استناد به پژوهش‌های انجام‌شده در جهان و ایران به آنها خواهیم پرداخت.

پیش از آن ضروری است تعبیر خود را از فرهنگ شفاف کنیم. فرهنگ از آن دسته واژه‌هایی است که تعاریف متعدد و بلکه جمع‌ناشدنی دارد. آثار زیادی هم هستند که تلاش کرده‌اند انواع تعابیر از فرهنگ را شرح دهند و دسته‌بندی کنند (فقط به‌عنوان چند نمونه نگاه کنید به: کوش، ۱۳۸۱؛ ویلیامز، ۱۹۷۶؛ اسمیت، ۱۳۸۷؛ میلنر و براویت، ۱۳۸۵).^۱

از بین تعابیر متنوع فرهنگ، ما تعبیر مطالعات فرهنگی را از این مفهوم برگزیدیم. البته مطالعات فرهنگی، خود حوزه‌ای گسترده با دامنه وسیعی از موضوعات است (برای مثال نگاه کنید به: دیورینگ، ۱۳۸۲؛ مک‌گوئیگان، ۱۳۹۷) و در میان تعابیر دوباره متنوع فرهنگ در این

۱. جهت اطلاعات بیشتر در این خصوص می‌توانید به این منابع مراجعه کنید:

- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۷) درآمدی بر نظریه فرهنگ، ترجمه حسن پویان، چاپ دوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- دیورینگ، سایمون، ویراستار (۱۳۸۲) مطالعات فرهنگی: مجموعه مقالات، ترجمه نیما ملک‌محمدی و شهریار وقفی‌پور، تهران: نشر تلخون.

- کوش، دنی (۱۳۸۱) مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه فریدون وحید، تهران: انتشارات سروش و مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.

- مک‌گوئیگان، جیم (۱۳۹۷) تحلیل فرهنگی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.

- میلنر، آندرو و براویت، جف (۱۳۸۵) درآمدی بر نظریه فرهنگ معاصر، ترجمه جمال محمدی، تهران: نشر ققنوس.

حوزه دانش، ما از تعبیر استوارت هال از فرهنگ در مطالعات فرهنگی استفاده می‌کنیم. هال نقطه تمایز مطالعات فرهنگی از سایر حوزه‌های مرتبط با فرهنگ را تأکید همیشگی مطالعات فرهنگی بر ارتباط میان قدرت و سیاست فرهنگی می‌داند. به‌زعم وی، مطالعات فرهنگی، تلاش می‌کند اهمیت ارتباط میان قدرت و سیاست فرهنگی را از طریق بررسی بازنمایی‌های انجام شده از گروه‌های حاشیه‌ای و بازنمایی‌های انجام شده برای این گروه‌ها و نیاز به تغییر فرهنگی نشان دهد (بارکر، ۱۳۹۶: ۳۳). لذا در بررسی دسترسی آزاد به اطلاعات از منظر فرهنگ، ما بر آن گروه‌هایی تمرکز می‌کنیم که در این فرایند، حاشیه‌ای و کم‌صدا هستند و لزوم تغییر به نفع آنها را یادآور می‌شویم. برخی از موضوعات مورد توجه مطالعات فرهنگی که موجب به‌وجود آمدن خاموشان را فراهم می‌کند، عبارتند از طبقه (فقر)، زبان، جنسیت، قومیت و نژاد، ملیت، سن و تحصیلات. از بین این موضوعات و سایر موضوعات فرهنگی، ما سواد و آموزش، فرهنگ پنهان‌کاری، زبان، و نابرابری‌های جنسیتی را در این مقاله، مورد مطالعه قرار داده‌ایم که به نظر، دروازه‌های خوبی برای ورود به مبحث دسترسی آزاد به اطلاعات از منظر ارتباط میان قدرت و فرهنگ هستند و در ادامه، تلاش خواهیم کرد تا نگاهی مبسوط به این موارد داشته باشیم.

رابطه توانمندسازی و دسترسی آزاد به اطلاعات

رابطه توانمندسازی و دسترسی آزاد به اطلاعات، مبتنی بر این فرض است که اطلاعات هرچه دسترس‌پذیرتر باشد، امکان توانمندی افراد نیز بیشتر خواهد بود (Baroi & Panday, 2015:5). و بر این اساس، افرادی که دسترسی بیشتر و آسان‌تری دارند (عمدتاً گروه‌های قدرتمندتر از ابعاد گوناگون)، امکان حصول اطلاعات بیشتر و در نتیجه توانمندی بالاتری را خواهند داشت. به منظور شرح بیشتر و بهتر این موضوع، لازم است که در ابتدا تأملی بر چپستی مقصود از توانمندسازی داشته باشیم. ارائه یک تعریف مشترک از معنای توانمندسازی امکان‌پذیر نیست و همان‌طور که نارایان^۱ (۲۰۰۲) تصریح می‌کند؛ واژه «توانمندسازی» با توجه به شرایط و زمینه‌های فرهنگی اجتماعی گوناگون، دارای معانی متعددی است و در نتیجه تعدد این شرایط و زمینه‌ها، ترجمه آن به تمامی زبان‌ها به آسانی ممکن نیست (Narayan, 2002: 13).

کبیر^۲ (۱۹۹۹) توانمندسازی را به‌معنای گسترش انتخاب و عطف به سه بُعد تشریح کرده است؛ منابع^۱، عاملیت^۲ و دستاوردها^۳. در چارچوب نظری وی از توانمندسازی، منابع به‌عنوان

1 . Narayan
2 . Kabeer

پیش‌شرط‌ها، عاملیت به‌عنوان روند و فرایند و دستاوردها به‌عنوان نتایج تلقی می‌شوند (Kabeer, 1999: 437). باروی و پاندی (۲۰۱۵) در شرح دیدگاه کبیر چنین می‌گویند که به‌زعم وی منابع نه‌تنها منابع مادی، بلکه منابع انسانی و اجتماعی نیز هستند و این دسته از منابع نیز نقش مهمی در افزایش توانایی افراد در انتخاب دارند؛ همچنین عاملیت؛ احساس قدرت یا توانایی تصمیم‌گیری را نشان می‌دهد و دستاوردها؛ به نتیجه‌توانمندی اشاره دارد. به‌زعم ایشان دسترسی به اطلاعات، یکی از منابع مهمی است که از پیش‌شرط‌های توانمندسازی است و امکان آگاهی، انتخاب و مشارکت مردم در فرایند تصمیم‌گیری را ممکن می‌کند (Baroi & Panday, 2015:5).

نارایان (۲۰۰۲) در یک جمع‌بندی کلی، وجه مشترک عموم رویکردهای موجود در باب توانمندسازی را در چهار مورد خلاصه می‌کند؛ دسترسی به اطلاعات، ادغام و مشارکت، پاسخگویی، و ظرفیت‌سازمانی محلی. مراد وی از دسترسی به اطلاعات و نقشی که در توانمندسازی دارد، از آن‌روست که دسترسی به اطلاعات و آگاه‌بودن حاصل از آن می‌تواند امکان اقدامات مؤثر را ایجاد نماید و کمک کند که شهروندان از خدمات استفاده کنند، به خدمات گوناگون دسترسی داشته باشند، از حقوق خود آگاه بوده و به‌صورت مؤثر مذاکره کنند، چیزی که در فقدان دسترسی به اطلاعات میسر نخواهد بود (Narayan, 2002: 18).

در یک جمع‌بندی کلی، نحوه تأثیرگذاری دسترسی به اطلاعات بر توانمندسازی را می‌توان این‌گونه شرح داد که اطلاعات می‌تواند بسیج شود، شفافیت و پاسخگویی را افزایش دهد و محرکی برای مشارکت، شهروندی فعال، یادگیری مادام‌العمر و تغییرات اجتماعی باشد. از این لحاظ، اطلاعات، برای اطمینان از وجود یک جامعه دموکراتیک بسیار مهم می‌شوند (unesco,2011: 52).

نکته بسیار مهم آن است که شرایط افراد گوناگون در استفاده از آزادی اطلاعات برابر نیست؛ یعنی به‌منظور آنکه شهروندان بتوانند از حق آزادی اطلاعات خود استفاده کنند، وجود حداقل‌هایی از آگاهی و سواد، مهارت و سلامتی ضروری است و با این حساب، بدیهی است که بسیاری از گروه‌ها قادر به استفاده از حق خود نخواهند بود. عمدتاً گروه‌های حاشیه‌ای و قشرها آسیب‌پذیر که می‌توانند شامل افراد فقیر، زنان، اقلیت‌ها و سایر گروه‌های دیگر باشند، کسانی

هستند که به واسطه نابرابری اجتماعی از کمبود اطلاعات رنج می‌برند و از حقوق کافی نه در مورد آزادی اطلاعات و نه در مورد سایر حقوق دیگر برخوردار نیستند (همان: ۵۳). آنچه در ادامه دنبال خواهد شد؛ بررسی همین عوامل و موانع در دسترسی به آزادی اطلاعات است تا به این موضوع پرداخته شود که وضعیت برابری در این دسترسی چگونه است.

نابرابری جنسیتی

پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند رویکرد جنسیتی ناشی از ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع در ارتباط با تفاوت میان زنان و مردان، از جمله عوامل اثرگذار بر نابرابری جنسیتی در دسترسی افراد به اطلاعات و استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بوده است (2016Neuman؛ Treinen & Elstraeten, 2016؛ برهانی و لالمی، ۱۳۸۸).

بحث جنسیت در حق دسترسی آزاد به اطلاعات، از آن‌رو دارای اهمیت است که این موضوع برای نیمی از جمعیت؛ یعنی زنان، با محدودیت‌های قابل توجهی روبه‌روست و اگر زنان فقیر و ساکن در نقاط حاشیه‌ای را به‌صورت جدی در مرکز توجه قرار دهیم، این محدودیت برای این گروه جنسی، به‌صورت جدی‌تر نمایان خواهد شد و در اصل، این محدودیت‌ها خبر از آن دارد که زنان، قادر به استفاده از این حق با همان تکرار، سهولت و میزان موفقیت همانند مردان نیستند. مواردی مانند عدم مشارکت زنان در سیاستگذاری‌ها به‌خصوص سیاستگذاری‌های حساس به جنسیت، آداب و رسوم سنتی فرهنگی مرسوم، بسیاری از موانع از جمله بی‌سوادی، مسئولیت‌های خانه، عدم تحرک و فقدان آگاهی همگی از جمله مواردی هستند که در این نابرابری و عدم تقارن در دسترسی آزاد به اطلاعات بین زنان و مردان تأثیر داشته است. نکته آن است که درست به‌دلیل همین محدودیت‌ها و موانع، در حالی که این گروه، کمترین دسترسی را دارند، اما در مقابل، بیشترین نیاز و ضرورت را به اطلاعات دارند (2016Neuman,). زنان در بسیاری از نقاط جهان با سختی‌های بسیاری روبه‌رو هستند. اگرچه ابزارهای مختلفی برای حل این چالش‌های بی‌شمار به‌کار رفته است، اما به نقش قدرتمندی که اطلاعات می‌تواند بازی کند، توجه کافی نشده است. دستیابی واقعی به اطلاعات می‌تواند به زنان کمک کند تا تصمیمات مؤثرتری در مورد آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و تولید محصولات کشاورزی و سایر موارد مربوط به کسب و کار بگیرند، به‌طور کامل‌تری در زندگی عمومی شرکت کنند، با رویه‌های فاسد مقابله کرده و شکاف‌های جنسیتی را برطرف کنند. اهمیت دسترسی آزاد به

اطلاعات، آن‌قدر بالاست که می‌توان آن را به‌عنوان یک عامل اصلی موفقیت در برابر نابرابری‌های مربوط به حقوق زنان دانست (همان).

در پژوهشی که ترینن و الستراتن^۱ (۲۰۱۸) برای سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل متحد^۲، پیرامون جنسیت و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات^۳ انجام داده‌اند، به چهار دسته مانع که در زمینه دسترسی و استفاده زنان از آی‌سی‌تی وجود دارد، اشاره کرده‌اند که می‌توان این موانع را در یک معنای اعم به کلیت دسترسی آزاد به اطلاعات بسط داد:

۱- محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی مانند عدم امکان حضور زنان در کافی‌نت‌ها و نامناسب بودن آن از نظر جانمایی و یا مردانه تلقی شدن آن فضاها، الزام به مشارکت زنان و دختران در حوزه کارهای خانه، دسترسی محدود به اینترنت و تلفن همراه به‌دلیل هنجارهای فرهنگی و یا اولویت داشتن در دسترس بودن این موارد برای مردان و سایر موارد مشابه؛

۲- محدودیت‌های زمان و پویایی مانند مواردی اعم از نقش‌های متعدد و مسئولیت‌های سنگین مربوط به وظایف خانه و محدودیت‌های مربوط به نگهداری از فرزندان که امکان پویایی زنان و اختصاص زمان به یادگیری و استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را محدود می‌کند؛

۳- محدودیت‌های مربوط به مسائل مالی و هزینه‌ها از این جهت که زنان عموماً درآمد کمتری داشته و استقلال آنها نیز با محدودیت جدی مواجه است و این مورد، امکان هزینه برای خرید سخت‌افزار آی‌سی‌تی و همچنین آموزش و دسترسی به آن را برای زنان با محدودیت جدی مواجه می‌سازد؛

۴- محدودیت‌های مربوط به سواد و تحصیلات و ارتباط آن با فقر دسترسی و استفاده از اطلاعات و ارتباطات به دو موضوع بر می‌گردد. اولین نکته آن است که بی‌سوادی به‌صورت کلی مانع از دسترسی و استفاده از این فناوری‌ها می‌شود و دومین مورد هم آنکه سطح پایین سواد، باعث چالش‌ها و مشکلاتی در حین استفاده از این فناوری‌ها می‌شود. اهمیت این موضوع برای زنان از آن روست که عمده بی‌سوادان جهان و همچنین سطوح پایین تحصیلات را از منظر گروه‌های جنسی، زنان تشکیل می‌دهند و این‌رو این موضوع برای آنها بسیار جدی می‌باشد (Treinen & Elstraeten, 2018: 27-31).

1. Treinen & Elstraeten
2. FAO
3. ICT

رحیمی و حسینی (۱۳۹۲) در مطالعه خود نشان داده‌اند که پسران دانش‌آموز در مقایسه با دختران، در جستجوی اطلاعات در اینترنت موفق‌تر عمل می‌کنند؛ این موفقیت، به تسلط کافی در روند جستجوی اطلاعات، نحوه تسلط بر جستجوی اطلاعات پیشرفته، نحوه کار بهتر با مرورگرهای وب و سرعت بالاتر بر می‌گردد (رحیمی و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۶).

مرادحاصل و مزینی (۱۳۹۲) در مطالعه خود به بررسی اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر نابرابری جنسیتی در بازار کار پرداخته‌اند. نتایج مطالعه ایشان نشان می‌دهد که این فناوری بر کاهش نابرابری جنسیتی در قالب افزایش سهم زنان از بازار کار تأثیر داشته است، اما همچنان عوامل ساختاری (اجتماعی و فرهنگی) در این نابرابری‌های جنسیتی اثر بیشتری داشته است و فناوری اطلاعات و ارتباطات در درجه دوم نقش‌آفرینی می‌کند و صرفاً می‌تواند به‌عنوان یک مکمل در کنار سایر عوامل ساختاری، اثرگذار باشد. مراد از این ترتیب اثرگذاری آن است که اثر فاوا تحت تأثیر ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جوامع است و در شرایطی که نابرابری‌های جنسیتی در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی وجود دارد، فاوا نمی‌تواند بر آنها چیره شود و صرفاً می‌تواند تا حدی شرایط را بهبود دهد (مرادحاصل و مزینی، ۱۳۹۲: ۲۵) و بدیهی است که آن شرایط اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند سبب سطوح کم و کیف دسترسی و استفاده متفاوتی برای زنان نسبت به مردان باشد که خبر از نابرابری دارد.

خانی، مطیعی لنگرودی و صیاد بیدهندی (۱۳۹۱) ضرورت ICT برای توانمندسازی زنان را در بخش مرکزی شهرستان لاهیجان مورد توجه قرار داده‌اند. براساس نتایج این پژوهش، فناوری اطلاعات و ارتباطات، قابلیت ارتقای آگاهی و توانمندسازی را ذیل مراحل فرایند توانمندسازی از قبیل مرحله رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل را داراست. نکته بسیار مهمی که در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته، آن است که فرهنگ سنتی، از عوامل محدود کننده دسترسی زنان به آی سی تی شناخته شده است و بنابراین در فرهنگ سنتی فرصت‌های برابر بین دو جنس در این زمینه مشاهده نمی‌شود، اما در مقابل پیشرفت و توسعه کلی کشور و دسترسی بیشتر زنان و دختران به آموزش و تحصیلات عالی، سبب دسترسی و استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای آنان شده است.

با توجه به مطالب بیان‌شده، می‌توان به این نتیجه رسید که گنجاندن عامل جنسیت در سیاستگذاری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در تحقق رفع نابرابری جنسیتی در این عرصه، باید مورد

توجه قرار گیرد و می‌بایست با فراهم نمودن فرصت‌های برابر و تبعیض مثبت برای زنان در جامعه اطلاعاتی، به کاهش نابرابری جنسیتی در این خصوص همت گمارد.

سواد و آموزش

سواد یکی از مهارت‌های پایه‌ای است که دسترسی به اطلاعات را تبیین می‌کند. هم سواد عمومی و پایه به صورت کلی و هم سواد مربوط به کامپیوتر و همچنین مهارت کار با بستر تعیین شده برای دستیابی به اطلاعات از جمله موضوعات مهمی است که می‌تواند وضعیت متفاوتی را در بین شهروندان مختلف برای دسترسی به اطلاعات فراهم نماید. همان‌طور که باونز (۲۰۰۲) می‌گوید؛ سطوح بالاتر سواد، موجب می‌شود که هم دسترسی به اطلاعات و هم کار با آن سهل باشد و به تعبیری، اطلاعات برای افراد مختلف کاربرد دوست باشد (Bovens, 2002: 334).

هیومیدر، کاتنی، پورتمایر، ماهر و میزنبرگر^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه خود به این موضوع اشاره کرده‌اند که موضوع دسترسی به اطلاعات، هم از نظر ابعاد فیزیکی و فنی و هم از نظر زبان و محتوای قابل فهم برای عموم مردم، درخور توجه است. ایشان از حقی به نام «آسان‌خوان»^۲ بودن صحبت می‌کنند که در قوانین بین‌المللی به آن اشاره شده است و آسان‌خوان بودن اطلاعات را به عنوان یک حق اساسی برای دسترسی برابر و دربرگیری همه گروه‌ها مورد توجه قرار داده است. مواردی مثل این حق به لزوم حمایت از افرادی که به هر نحوی در جستجو و درک اطلاعات دچار مشکل هستند، اشاره دارد که عمدتاً افراد دارای سطح سواد پایین، افرادی با زبان مادری متفاوت نسبت به زبان اطلاعات و افراد دارای معلولیت‌های مرتبط و سایر ناتوانی‌ها در این گروه هستند (Heumader et al, 2020: 527).

این موضوع راجع به سطح سواد دارای اهمیت کلیدی می‌باشد؛ چراکه طبق اعلام اتحادیه بین‌المللی انجمن کتابخانه‌ها و مؤسسات (۲۰۱۰)، مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند حداقل ۲۵ درصد از جمعیت بزرگسال در اغلب کشورها (این عدد در بعضی کشورها به ۴۰ تا ۵۰ درصد هم می‌رسد) سطحی از سواد یا مهارت‌های خواندن که از تحصیل تا پایان دوره «آموزش پایه»^۳

1 . Heumader, Koutny, Pühretmair, Mahr & Miesenberger

2 . easy-to-read

۳- آموزش پایه را معادل basic education قرار دادیم که اصطلاحی است برای تحصیلات تا پایان کلاس هشتم یا نهم در نظام‌های آموزشی دوازده ساله.

انتظار می‌رود را ندارند (Heumader et al, 2020: 527). اهمیت بحث سواد و پیوند آن با دسترسی آزاد اطلاعات در برخی از مطالعات، از دریچه ارتقای میزان دسترسی به اطلاعات بررسی شده است. مثلاً آن‌طور که آلسوپ، کریشنا و اسجبلوم^۱ (۲۰۰۱) در مطالعه خود بیان کرده‌اند، در هندوستان گروه هدف مورد بررسی‌شان؛ یعنی افراد بدون زمین، به ازای هر سال آموزش بیشتر، حدود ۲٫۵ درصد دسترسی به اطلاعات بیشتری را تجربه می‌کنند (Alsop et al, 2006: 16).

در پژوهشی دیگر با عنوان «سواد سلامت الکترونیک: گسترش شکاف دیجیتال به حوزه اطلاعات سلامت»، محققان به بررسی تأثیر اینترنت بر کاهش و یا افزایش شکاف سطح سواد افراد در جستجوی اطلاعات سلامت پرداخته‌اند. این پژوهش، با تمرکز بر سه بُعد؛ ۱- متغیرهای سنتی شکاف دیجیتال مانند ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، ۲- فرایندهای جستجوی اطلاعات و ۳- نتایج استفاده از اینترنت با هدف کسب اطلاعات در حوزه سلامت، به مطالعه مسئله تحقیق پرداخته بود. نتایج نشان می‌دهند که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در فرایند دسترسی به اطلاعات و جستجوی آنها اثرگذار بوده است و اینترنت نیز تفاوت‌های اجتماعی موجود را تقویت کرده است. استفاده وسیع از اینترنت توسط افرادی که از سواد سلامت الکترونیک بالاتری برخوردار بودند، منافعی را به همراه داشته که این امر، منجر به ایجاد نابرابری‌های جدیدی در حوزه اطلاعات سلامت در بین افراد شده است (Neter & Brainin, 2012: 1).

کاظم پوریان و عبدلی (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «سواد دیجیتال: راهکاری برای پوشش شکاف دیجیتال و پرورش شهروند دیجیتال» به بررسی وضعیت شکاف دیجیتال و ارائه راهکارهایی از جمله تنظیم برنامه‌های آموزشی، فرهنگ‌سازی و استفاده از تجارب کشورهای پیشگام برای کاهش این شکاف در میان شهروندان دیجیتال پرداخته‌اند. نویسندگان به این نتیجه رسیدند که با آموزش سواد دیجیتال می‌توان نابرابری در بهره‌مندی از فناوری اطلاعات و ارتباطات را کاهش داد. آنها بر این باورند که این امر، با اقداماتی مانند آماده‌کردن بسترها و زمینه‌های لازم فرهنگی و اجتماعی برای کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات، و طراحی برنامه‌هایی جامع شامل آموزش نحوه استفاده از سخت‌افزارها و نرم‌افزارها که منجر به فهم زبان این فناوری‌ها می‌شود، امکان‌پذیر است.

1 . Alsop, Krishna & Sjoblom

یکی از موارد دیگری که در کنار بحث سواد مطرح می‌شود، موضوع مربوط به آموزش است که می‌تواند سطح مهارت و توانایی افراد را برای جستجو و دسترسی به اطلاعات ارتقاء دهد. مطالعات متعددی آموزش را شرطی لازم برای دسترسی شهروندان به اطلاعات در نظر گرفته‌اند (Martin & Feldman, 1998; Bovens, 2002; Darch & Underwood, 2005; Szekely, 2007) به نقل از (Relly & Guillier, 2010: 368؛ خسروجردی، ۱۳۸۴). بدیهی است که اختلاف وضعیت بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در این زمینه به صورت قابل ملاحظه‌ای درخور توجه است و محققان متعددی نیز به طور تجربی به این موضوع پرداخته‌اند که کشورهای در حال توسعه، به دلیل محدودیت منابع، در خصوص بحث آموزش و اجرای سیاست‌های دسترسی به اطلاعات با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند (Darch & Underwood, 2005; Roberts, 2006; Neuman & Calland, 2007 به نقل از Relly & Guillier, 2010: 363)

در یک بیان کلی، می‌بایست چنین گفت که آموزش، نقش زیربنایی در توسعه فردی به لحاظ ارتقای سطح دانش، مهارت، قابلیت‌ها و توانایی‌های فنی و تخصصی، موضع‌گیری در برابر مسائل و شکل‌گیری نگرش نسبت به محیط پیرامونی دارد. فردی که از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار است، در دسترسی به اطلاعات، با موانع کمتری روبه‌رو می‌شود، چون سطح تحصیلات نه تنها به طور مستقیم بر دسترسی تأثیر دارد، بلکه شبکه اجتماعی فرد و سطوح ارتباطی و مهارت‌های تکنولوژیکی وی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (خسروجردی، ۱۳۸۴: ۱۵۴). در کشور ما نیز توجه به این موضوع از آن رو با اهمیت است که طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن^۱ کشور در سال ۱۳۹۵ حدود ۸,۸ میلیون نفر از جمعیت کشور، بی‌سواد مطلق هستند که ۶۳,۳ درصد از آنها را زنان و ۳۶,۷ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. گروه‌های محروم از آموزش رسمی بیش از افراد تحصیلکرده از عدم دسترسی به اطلاعات رنج می‌برند؛ چراکه به دلیل فقدان مهارت‌های خواندن و نوشتن که منجر به توانایی محدود در برخورداری از مزایای دسترسی به اطلاعات می‌شود، امکان بهره‌برداری از اطلاعات جهت تأمین نیازهایشان را ندارند.

فرهنگ پنهان کاری

همان‌طور که فینک (۲۰۱۸) می‌گوید، یکی از کارکردهای اصلی قوانین مربوط به آزادی اطلاعات، روشن‌ساختن چند و چون عملکرد دولت‌هاست، ولی با این حال، عملکرد دولت‌ها

1. https://www.amar.org.ir/Portals/0/amarmozuui/infographics/114-17_5.pdf

تحت تأثیر الگوریتم‌هایی قرار دارد که به‌عنوان جعبه‌های سیاه عمل کرده و مانع از شفافیت می‌شوند (Fink, 2018: 1). بخشی از چیزی که جلوی این شفافیت را می‌گیرد؛ «فرهنگ پنهان کاری» است که به طُرُق مختلف، توسط دولت‌ها مشاهده می‌شود. همان‌طور که دنینگ (۱۳۸۳) می‌گوید؛ آنچه مهم است این است که مقامات عمومی در بسیاری از موارد، میل به پنهان‌کاری دارند و چیزی را که می‌خواهند مخفی بماند، فاش نمی‌سازند. حتی برخی اعمال دولت در جهت مانعیت شهروندان از دسترسی به انواع خاصی از اطلاعات یا رسانه‌هاست (به نقل از زندیه و سالارسروری؛ ۱۳۹۲: ۱۱۷).

همان‌گونه که رلیا (۱۹۸۰) می‌گوید؛ از ابتدای طرح آزادی اطلاعات، بحث پنهان‌کاری رسمی^۱ نیز به‌عنوان شرایطی که منع دسترسی عمومی به اطلاعات آزاد را موجب شود، طرح شد و هدف از آن، بیان استثنائاتی بود که به‌دلایل مختلف؛ مثل حفظ منافع و امنیت ملی، ملاحظات مربوط به سیاست‌های خارجی و هر آنچه حساسیت‌های استراتژیکی را منجر شود، این دسترسی به اطلاعات مصلحت نباشد (Relyea, 1980: 149). فارغ از اینکه پنهان‌کاری رسمی به چه دلایلی انجام می‌شود، نتیجه آن است که تحقق حق دسترسی آزاد به اطلاعات را با محدودیت روبه‌رو ساخته و باعث اجرای ناقص آن می‌شود.

تمایل به پنهان‌کاری از بستر قدرت‌طلبی نیز ناشی می‌شود؛ در واقع، کسانی که دارای قدرت هستند، تمایل به پنهان‌کاری دارند؛ چراکه در عرصه قدرت کسانی موفق‌ترند که از اطلاعات بیشتری برخوردارند (راسکوویرو وایلینو، ۲۰۰۷ به نقل از زندیه و سالارسروری، ۱۳۹۲: ۱۳۰). بنابراین به نام حفاظت از استقلال کشور، تا جایی که ممکن است اطلاعات از دسترس عموم دور نگه داشته می‌شود.

زندیه و سالارسروری (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی عوامل محدود کننده شفافیت اسنادی ناشی از رفتار مقامات عمومی در برخورد با درخواست‌های دریافت اطلاعات از ناحیه شهروندان با استناد به ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر پرداخته‌اند و در نهایت، سعی کرده‌اند راهکارهایی در جهت رسیدن به استاندارد شفافیت اسنادی ارائه دهند. یافته‌های آنها نشان داد که در تحقق حق دسترسی افراد به اطلاعات، شفافیت، به‌عنوان ابزار مهمی در نظر گرفته می‌شود که بر اساس آن، اسناد اطلاعاتی که توسط نهادهای عمومی منتشر می‌شود، باید از شفافیت برخوردار باشند. با این حال، دولت‌ها و مقامات دولتی به‌دلایلی چون فرهنگ پنهان

1. official secrecy

کاری^۱، و عوامل ساختاری و سیاسی چون امنیت ملی، در مقابل این حق، مقاومت می‌کنند و این موضوع، منجر به ظهور انواعی از شفافیت غیر استاندارد می‌شود که مانع از تحقق حق دسترسی آزاد به اطلاعات می‌شود.

سالارکيا (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی با عنوان «تحول مفهوم پنهان‌کاری: از ویژگی هستی‌شناختی تا ابزاری برای فعالیت اطلاعاتی»، در پی پاسخگویی به این پرسش بر می‌آید که پنهان‌کاری، چه بخشی از هویت اطلاعات را به خود اختصاص داده و چه جایگاهی در اطلاعات دارد؟ وی با مطرح کردن دو فرضیه که یکی از آنها پنهان‌کاری را از ویژگی‌های هستی‌شناختی اطلاعات و دیگری آن را ابزاری برای کار اطلاعاتی می‌داند، به این نتیجه می‌رسد که پنهان‌کاری، اساساً بخش جدانشدنی از هویت اطلاعات است و ریشه‌ای هستی‌شناختی در آن دارد (سالارکيا، ۱۳۹۱: ۶۷).

زبان و دسترسی آزاد به اطلاعات

زبان عامل دیگری است که در دسترسی افراد به اطلاعات تأثیرگذار است و در شرایطی مانع زبانی، دسترسی افراد به اطلاعات مورد نیازشان را محدود می‌کند (برهانی و لالمی، ۱۳۸۸: ۷۸). زبان غالب و رایج اطلاعات و پایگاه‌های ارائه دهنده آنها موضوعی است که می‌تواند منجر به نوعی از شکاف مبتنی بر زبان^۲ شود و خروجی آن باشد که گروه‌های زیادی از دسترسی به اطلاعات ارزشمند و مورد نیازشان محروم شوند و نابرابری‌های حاصل از این دسترسی نابرابر تشدید شود (Polat, 2012:595).

گرازی و وِرگارا^۳ (۲۰۱۲) در مطالعه خود نقش موانع و محدودیت‌های مرتبط با زبان را در وفق‌پذیری با رایانه و اتصال به اینترنت در پاراگوئه بررسی کرده‌اند. در پاراگوئه حدود ۴۰ درصد از مردم، یک‌زبان و صرفاً مسلط به گوارانی^۴؛ حدود ۵۰ درصد دوزبان و مسلط به هر دو زبان اسپانیایی و گوارانی و مابقی، یک‌زبان و فقط مسلط به اسپانیایی هستند. نتایج این مطالعه، نشان می‌دهد که نحوه بسط و تسری فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) بسیار ناهمگن

۱. با توجه به مفهومی از فرهنگ که در این مقاله اتخاذ کرده‌ایم، فرهنگ پنهان‌کاری به معنای استفاده از پنهان‌کاری در جهت قدرت است. بنابراین به هیچ وجه، منظورمان پنهان‌کاری به عنوان یکی از خلیات یا مؤلفه‌های فرهنگی گروه‌ها و ملت‌ها نیست.

2 . linguistic divide
3 . Grazzi & Vergara
4 . Guaraní

بوده و نابرابری‌های جدی‌ای در این زمینه مشاهده می‌شود و افراد یک‌زبانه و صرفاً مسلط به گوارانی در شرایط نابرابری نسبت به سایرین قرار دارند و از همین منظر، خود این زبان به‌عنوان یک مانع فرهنگی جدی در جهت گسترش آی سی تی و کار با آن برای مردم به‌شمار می‌رود (Grazzi & Vergara, 2012: 161).

علاوه بر آن، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد، افرادی که صرفاً بر یک زبان تسلط دارند، با افرادی که مهارت در زبان‌های دیگر دارند (هر زبانی علاوه بر زبان مادری) در موقعیت برابر قرار ندارند. همان‌طور که در مطالعه رحیمی و حسینی (۱۳۹۲) به آن اشاره شده است، جانسون و جانسون^۱ (۱۹۹۹) می‌گویند، مهارت زبان دوم، باعث خلاقیت در فکر می‌شود و آن گونه که هارتلی و بندیکسن^۲ (۲۰۰۱) بیان کرده‌اند، این تفکر خلاق، به عملکرد بهتر در فضای مجازی کمک می‌کند و در نتیجه، افراد دارای مهارت در دو یا چندین زبان، در تعامل با یارانه و جستجوی اطلاعات مورد نیاز، عملکرد بهتری از خود نشان می‌دهند (رحیمی و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۹-۱۸).

علاوه بر این، در فضاهایی که زبان تخصصی خود را می‌طلبد؛ مانند فضای مجازی، دسترسی افراد به اطلاعات تحت تأثیر دانستن و آشنایی با آن زبان قرار می‌گیرد (Neter & Brainin, 2012؛ کاظم پوریان و عبدلی، ۱۳۹۵) و تسلط بر نحوه استفاده از آن فناوری‌های جدید عطف به زبان رایج به‌کار گرفته شده در آنها موضوعی مهم می‌باشد. شکاف دیجیتال یکی از پیامدهای این وضعیت است که به مرور زمان و با دسترسی بیشتر افراد به کامپیوتر، سطوح دیگری مانند مهارت‌های دیجیتالی و دسترسی بهره‌ورانه به آن اضافه شده است.

یکی از ابعاد سطح مهارتی، که ون دیورسن و ون دایک^۳ (۲۰۱۰، ۲۰۱۱) به آن اشاره کرده‌اند، سواد جستجوی اطلاعات است. این بدین معناست که اگر افراد، از این مهارت برخوردار نباشند و یا با زبان این فضا آشنایی نداشته باشند، امکان بهره‌وری از قابلیت‌های آن را در جهت دسترسی به اطلاعات مورد نیازشان نخواهند داشت (Van Deursen & Van Dijk, 2015: 381) رحیمی و حسینی در مطالعه خود به بررسی ارتباط میان جستجوی اطلاعات در اینترنت با مهارت زبان انگلیسی در میان دانش‌آموزان گرگانی پرداخته‌اند. براساس نتایج حاصل از مطالعه آنها یکی از مواردی که در مورد زبان مورد نیاز فضای مجازی و جستجوی اطلاعات در پایگاه

1. Johnson & Johnson

2. Hartley & Bendixen

3. Van Deursen & Van Dijk

های مختلف مهم است، تسلط بر زبان انگلیسی است. ارتباط زبان انگلیسی و مهارت در آن با سواد اطلاعاتی، افزایش کارآمدی و کاهش اضطراب رایانه، تأثیر مستقیمی بر جستجوی مؤثر اطلاعات و استفاده از آنها دارد (رحیمی و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۸).

گروه‌های حاشیه‌نشین به دلیل توان پایین اقتصادی در جهت دسترسی فیزیکی و در نتیجه عدم برخورداری کافی از دانش و زبان مورد نیاز جهت استفاده، بیش از سایر گروه‌های اجتماعی تحت تأثیر این شرایط قرار می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

یکی از همراهان فرهنگ، به معنایی که در مطالعات فرهنگی غالباً استفاده می‌شود، قدرت است. نوشتاری که از نظر گذشت، از مسیر قدرت به فرهنگ پرداخته و لذا وقتی از موانع فرهنگی دسترسی به اطلاعات سخن می‌گویند بر گروه‌های حاشیه‌نشین و کم‌صدا تمرکز دارد و نه آنچنان که مرسوم است بر اصطلاحاً خصلت‌های فرهنگی یک گروه یا ملت.

دیدیم که دولت‌های زیادی، به دلایل مختلف، قانون حق دسترسی آزاد به اطلاعات را تصویب کردند و بدون شک، قدرت در این میان تأثیرگذار بوده است. یکی از پیامدهای «مفروض» دسترسی همگانی به اطلاعات، توانمند شدن گروه‌های خاموش یا مورد تبعیض است. «مفروض» است؛ چون در عمل به سادگی و یا اصلاً محقق نمی‌شود. اینجا، باز هم با توجه کردن به قدرت، در چرخه باطلی گرفتار هستیم: دسترسی آزاد به اطلاعات برای توانمند کردن گروه‌های حاشیه‌ای است، اما در عمل، همین گروه‌ها آزادانه به اطلاعات دسترسی ندارند. شرح بیشتر این موضوع، زمانی محقق می‌شود که تأمل بیشتری در مفهوم «دسترسی» داشته باشیم. در بررسی حق دسترسی آزاد به اطلاعات، می‌بایست به‌طور همزمان از سه نوع دسترسی سخن گفت؛ دسترسی انگیزشی، دسترسی مادی و فیزیکی، و دسترسی مهارتی و کاربردی^۱. مراد از دسترسی انگیزشی آن است که اساساً خواست و اراده لازم برای جستجوی اطلاعات و داشتن دغدغه در افراد وجود داشته باشد و نگرش افراد به این موضوع، به‌عنوان یک امر ضروری باشد؛

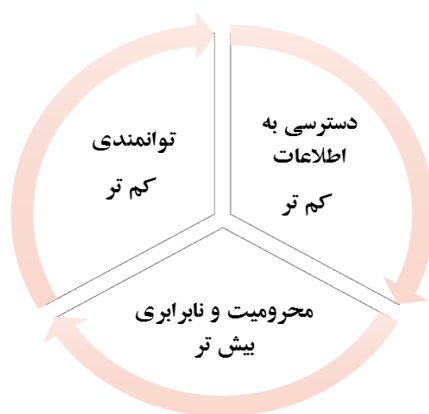
۱. ایده انواع این دسترسی‌ها برای محقق، از مطالعه ون درسون و ون دایک (۲۰۱۵) حاصل شده است؛ البته مطالعه آن‌ها در ارتباط با دسترسی به اینترنت و شکاف دیجیتال بوده است و مرتبط با حق دسترسی آزاد به اطلاعات نمی‌باشد، لیکن عطف به مرور سایر پژوهش‌ها و ایده‌های موجود در این پژوهش این تفکیک را در مطالعه حاضر نیز مبنا قرار داده‌ایم. عنوان مقاله آنها در زیر آمده است:

منظور از دسترسی فیزیکی و مادی آن است که از نظر زیرساخت‌ها و وجود سخت‌افزار افراد از موقعیت لازم برخوردار باشند و ابزار و امکان تحقق این امر، به‌لحاظ فیزیکی و مادی برایشان فراهم باشد و دسترسی در خانه یا هر مکان دیگری هم از نظر وسایل و هم از نظر هزینه مالی برایشان میسر باشد و در نهایت، مراد از دسترسی مهارتی و کاربردی نیز آن است که افراد مهارت و دانش لازم برای جستجوی اطلاعات و کار با بسترهای موجود را بلد باشند، محتوای مطالب را درک کنند و بسته به خواست و نیازشان، امکان کاربرد عملی را میسر کنند.

بدیهی است که تحقق این حق، زمانی رخ خواهد داد که سیاست‌ها و قوانین، به‌طور همزمان بر این وجوه سه‌گانه تمرکز نمایند؛ حال آنکه در عمده موارد، صرف وجود این حق مورد توجه قرار گرفته و مکانیسم‌های تحقق مرتبط با چند وجه آن به فراموشی سپرده شده است.

به نظر می‌رسد که وضعیت گروه‌های محروم در وجوه گوناگون به‌گونه‌ای است که هم از منظر عاملیت و هم از منظر ساختار، فرصت در وضعیت برابری با سایر قشرها جامعه قرار ندارند و نابرابری عمیق و شدیدی در این زمینه مشاهده می‌شود که خود از یک طرف از ناتوانی و محرومیت برمی‌آید و از طرف دیگر خود مجدداً بازتولیدکننده ناتوانی و محرومیت بیشتر است و یک دور باطل نابرابری و محرومیت برای این گروه‌ها مشاهده می‌شود که مانع از تغییر وضعیت به سمت برابری می‌گردد.

به لحاظ شماتیک می‌توان این موضوع را به قرار زیر توضیح داد:



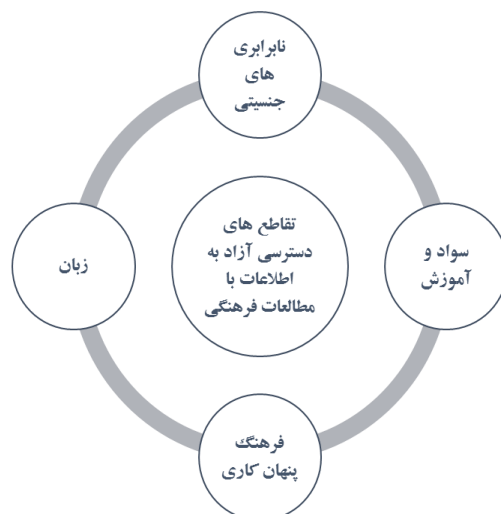
شکل شماره ۲. دور باطل توانمندی کمتر، دسترسی آزاد به اطلاعات کمتر و محرومیت و نابرابری بیشتر

به نظر می‌رسد که عطف به سه نوع دسترسی مطرح شده در بالا می‌توان پیوند آن را با بحث از توانمندسازی به صورت برجسته مورد توجه قرار داد. جریان به این صورت است که دسترسی بیشتر به اطلاعات، می‌تواند به سطوح بالاتری از توانمندی منجر شود و از طرف دیگر توانمندی بالاتر نیز منجر به دسترسی بالاتر به اطلاعات می‌شود. حال از آنجا که طبق دیدگاه محققان بانک جهانی، آلسوپ، برتلسن و هلند^۱ (۲۰۰۶) توانمندی از ارتباط متقابل دو سطح عاملیت^۲ (شامل انواع سرمایه‌ها و دارایی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، روان‌شناختی و...) و ساختار فرصت^۳ (شامل قوانین و هنجارهای فرهنگی) ناشی می‌شود و از آنجا که انواع دسترسی‌های یادشده در بالا در پیوند با ایجاد و تقویت این دو مورد قرار دارد، می‌بایست جریان دسترسی آزاد به اطلاعات با یک حمایت و کوشش همه‌جانبه برای گروه‌هایی که در شرایط نابرابر هستند، تسهیل شود و به‌واسطه تقویت عاملیت و ساختار فرصت مرتبط با این دسترسی‌ها، شاهد توانمندی در دسترسی همه‌جانبه اطلاعات برای همه گروه‌ها و به‌خصوص گروه‌های حاشیه‌ای که در شرایط نابرابری از قدرت و توانمندی هستند، باشیم.

وارد کردن قدرت به‌عنوان متغیر تأثیرگذار مطالعات فرهنگی در مبحث دسترسی آزاد به اطلاعات، باعث می‌شود در «آزاد بودن» و «همگانی بودن» دسترسی آزاد و همگانی به اطلاعات تأمل جدی کنیم. در این تأمل جدی، موضوعاتی پروبلماتیک می‌شود؛ اینکه زبان، تحصیلات، قومیت و نژاد، طبقه و جنسیت بر دسترسی آزاد به اطلاعات تأثیر جدی دارند؛ اینکه حتی پس از دسترسی به اطلاعات، پردازش اطلاعات و توان استفاده از آن در جهت مثبت برای گروه‌های کم‌توان عملاً بسیار دشوار و بنابراین نادر است؛ اینکه گروه‌های کمتر برخوردار، در واقعیت هم کمترین استفاده را از آزاد شدن دسترسی به اطلاعات می‌برند.

آن وجوهی از نابرابری مربوط به گروه‌های کم‌برخوردار که در مطالعه حاضر مورد بحث و بررسی قرار گرفت، به شرح زیر بودند:

1 . ALSOP, BERTELSEN & HOLLAND
2 . Agency
3 . Opportunity Structure



شکل شماره ۳. تقاطع‌های مورد بررسی دسترسی آزاد به اطلاعات با مطالعات فرهنگی در مطالعه حاضر

کلام آخر آنکه، مولاینیتن و شفیر (۱۳۹۸) در کتاب «فقر احمق می‌کند» نشان می‌دهند فقر، باعث کاهش پهنای باند ذهن می‌شود و بنابراین تصمیم‌گیری را عملاً با دشواری روبه‌رو می‌کند. ما تلاش کردیم با مرور پیشینه و نظریه‌های موجود نشان دهیم در مورد دسترسی اصطلاحاً آزاد به اطلاعات، زبان و تحصیلات و جنسیت و غیره هم عملاً همین تأثیر را دارند. این استدلال ما را بدانجا می‌رساند که بگوییم آزاد کردن دسترسی به اطلاعات، تنها قدم نخست در دسترسی همگانی به اطلاعات است. به بیان دیگر، آزادی دسترسی به معنای دسترسی همگانی نیست. بین این دو فرسنگ‌ها و «فرهنگ‌ها» فاصله است، بین این دو زبان‌ها و جنسیت‌ها فاصله است. همزمان با آزاد کردن دسترسی، توانمند کردن گروه‌های خاموش و کم‌قدرت به شناخت اطلاعات و یادگیری چگونگی استفاده از آن در جهت توانمندی خودشان، بی‌شک مسئله پراهمیتی است؛ سیاست و تغییری فرهنگی که می‌توان آن را تبعیض مثبت به نفع گروه‌های خاموش دانست. بدون در نظر گرفتن این مهم، آزادی دسترسی به اطلاعات چیزی جز توهم آزادی نیست. احتمالاً حق با گرامشی است وقتی می‌گوید دموکراسی صرفاً زمانی می‌تواند راه آزادی را به ملت‌های محروم نشان دهد که با عدالت، برابری و برخورداری‌های فراگیر همراه باشد. ما می‌توانیم با کلماتی که به بحث این مقاله مربوط است، جملات گرامشی را چنین بازنویسی کنیم که: دسترسی همگانی به اطلاعات تنها زمانی به تحقق نزدیک می‌شود که با تلاش برای عدالت، برابری و برخورداری‌های همگانی همراه شود.

منابع

- اسمیت، فیلیپ دانیل (۱۳۸۷) «درآمدی بر نظریه فرهنگی»، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی و مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- اکبری آلاشتی، طاهره (۱۳۸۸) «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات»، تازه‌های اقتصاد، دوره ۷، شماره ۱۲۶، صص: ۸-۱۰.
- بارکر، کریس (۱۳۹۶) «مطالعات فرهنگی؛ نظریه و عملکرد» (ویراست چهارم)، ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، چاپ چهارم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- برهانی، حوری‌سادات و شیده لالمی (۱۳۸۸) «زنان جامعه اطلاعاتی و شکاف جنسیتی»، فرهنگ، ویژه مطالعات زنان، تابستان، شماره ۷۰، صص ۹۶-۶۹.
- حاج اسماعیلی، فهیمه و حسین کاظمی (۱۳۹۷) «مقایسه سطوح چهارگانه شکاف دیجیتالی بر حسب متغیرهای جمعیتی (مورد مطالعه: شهر رفسنجان)»، مسائل اجتماعی ایران، پاییز و زمستان، سال نهم، شماره ۲، صص ۴۸-۲۷.
- خانی، فضیله، مطیعی لنگرودی، سیدحسن و لیلا صیاد بیدهدی (۱۳۹۱) «ارائه الگوی توانمندسازی زنان روستایی استفاده‌کننده از ICT (بررسی موردی: بخش مرکزی لایجان)»، توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۱، صص: ۸۵-۱۰۸.
- خسروجردی، محمود (۱۳۸۴) «مفهوم‌سازی دسترسی به اطلاعات و ارائه مدل ترکیبی: پاره‌ای از تبعات فناوری بر دسترسی»، مجله کتابداری، پاییز و زمستان، سال سی و نهم، شماره ۴۴، صص ۱۶۶-۱۳۵.
- دیورینگ، سایمون (ویراستار) (۱۳۸۲) «مطالعات فرهنگی»، ترجمه شهریار وقفی پور و نیما ملک محمدی، تهران: نشر تلخون.
- رحیمی، مهرک و محبوبه حسینی (۱۳۹۲) «رابطه راهبردهای جست و جوی اطلاعات در اینترنت با مهارت خواندن زبان انگلیسی»، فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، سال سوم، شماره چهارم، صص: ۲۱-۵.
- زندیه، حسن و حسن سالارسروی (۱۳۹۲) «شفافیت اسنادی و حق دسترسی آزاد به اطلاعات»، گنجینه اسناد، بهار، سال بیست و سوم، صص ۱۳۴-۱۱۶.
- سالارکیا، غلامرضا (۱۳۹۱) «تحول مفهوم پنهان کاری: از ویژگی هستی شناختی تا ابزاری برای فعالیت اطلاعاتی»، مطالعات راهبردی، تابستان، سال پانزدهم، شماره ۲، صص ۹۰-۶۸.
- سایت مرکز آمار ایران به آدرس www.amar.org.ir

- قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (۱۳۸۸)، مندرج در سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به آدرس www.rc.majlis.ir.
- کاظم‌پوریان، سعید و سمانه عبدلی (۱۳۹۵) «سواد دیجیتال: راهکاری برای پوشش شکاف دیجیتال و پرورش شهروند دیجیتال»، سیاست نامه علم و فناوری، زمستان، دوره ۶، شماره ۴، صص ۵۳-۶۴.
- کوش، دنی (۱۳۸۱) «مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی»، ترجمه فریدون وحید، تهران: انتشارات سروش.
- مرادحاصل، نیلوفر و امیرحسین مزینی (۱۳۹۲) «بررسی اثر نسبی فناوری اطلاعات و ارتباطات بر نابرابری جنسیتی (مطالعه بین‌کشوری بازار کار)»، مطالعات زنان، سال ۱۱، شماره ۲، صص: ۲۸-۷.
- مک گوئیگان، جیم (۱۳۹۷) «تحلیل فرهنگی»، ترجمه سجاد علیزاده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- مولاینیتن، سندهیل و الدار شفیر (۱۳۹۸) «فقر احمق می‌کند»، ترجمه سید امیرحسین میرابوطالبی، تهران: انتشارات ترجمان.
- میلنر، آندرو و جف براویت (۱۳۸۵) «درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر»، ترجمه جمال محمدی، تهران: انتشارات ققنوس.
- هوشیدری فراهانی، فاطمه؛ حسن زاده، محمد و فاطمه زندیان (۱۳۹۷) «تبیین بسترهای پیاده‌سازی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، بهار، شماره بیست و ششم، صص ۳۹-۶۵.
- Alsop, Ruth, Mette Bertelsen and Jeremy Holland (2006) "Empowerment in Practice From Analysis to Implementation", The WorldBank.
- Baroi, Harold Sougato, Panday, Pranab Kumar (2015) "Does Access to Information Facilitate Empowerment of Citizens? Answer Lies Within A Recent Example of Bangladesh", SJPG, VOL. 37, NO. 2, PP: 1-18 .
- Berliner, Daniel, Ingrams, Alex. , Piotrowski, Suzanne. J (2018) "The Future of FOIA in an Open Government Agenda for Freedom of Information Policy and Implementation", Villanova Law Review, Vol. 63, pp: 867-894 .
- Bovens, M (2002) "Information Rights: Citizenship in the Information Society", The Journal of Political Philosophy, 10 (3) .pp: 317-341 .
- Fink, Katherine (2018) "Opening the government's Black Boxes: Freedom of Information and Algorithmic Accountability", Information, Communication & Society, 21 (10) , pp: 1453-1471 .

- Grazzi, Matteo, Vergara, Sebastian (2012) "ICT in Developing Countries: Are Language Barriers Relevant? Evidence from Paraguay", *Information Economics and Policy*, Elsevier, VOL. 24, PP: 161-171 .
- Heumader, Peter, Koutny, Reinhard, Pühretmair, Franz, Mahr, Kerstin Matausch & Miesenberger, Klaus (2020) "Personal access to documents using diferent literacy levels", *Universal Access in the Information Society*, VOL. 19, PP:527-539 .
- Islam, Roumeen (2006) "DOES MORE TRANSPARENCY GO ALONG WITH BETTER GOVERNANCE?", *Economics and Politics*, Wiley Blackwell, vol. 18(2), PP: 121-167.
- Jain, Vivekanand, Saraf, Sanjiv (2013). Empowering the poor with right to information and library services, *Library Review*, Vol. 62, No. 1/2, PP: 47-52.
- Kabeer, Nayla (1999) "Resources, Agency, Achievements: Reflections on the Measurement of Women's Empowerment", *Development and Change*, Vol. 30, pp: 435-464 .
- McCloud, Rachel, Okechukwu, Cassandra A, Sorensen, Glorian, Viswanath, K (2016) "Beyond Access: Barriers to Internet Health Information Seeking among the Urban poor", *Journal of the American Medical information association* VOL. 0, PP: 1-7 .
- Mitee, Leesii (2017) "The Right of Public Access to Legal Information: A Personal for its Universal Recognition as a Human Right". *German Loaw Journal*, 18 (6) , pp:1429-1496 .
- Narayan, Deepa (2002 (. "Empowerment and Poverty Reduction: A Sourcebook", available at <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/15239> License: CC BY 3.0 IGO. "
- Neter, Efrat and Brainin, Esther (2012) "eHealth Literacy: Extending the Digital Divide to the realm of Health Information". *Journal of medical Internet research*, VOL. 14 (1) , PP: 1-10 .
- Neuman, Laura (2016) "The Right of Access to Information: Exploring Gender Inequities", *Institute of Development Studies (IDS) , Brighton; IDS Bulletin*, Vol. 47, No. 1, available at <https://bulletin.ids.ac.uk/index.php/idsbo/article/view/38/html> .
- Ono, Hiroshi (2005) "Digital inequality in east Asia: Evidence from Japan, South Koria and Singapor", *Working Paper 219*, pp: 1-35, availale at <http://www.hhs.se/eijs> .
- Polat, Rabia Karakay (2012) "Digital exclusion in Turkey: A policy perspective", *Government Information Quarterly*, Vol. 29, pp: 589-596 .
- Relly, Jeannine, E. , Guillier, Davis (2010) "A Comparison of Political, Cultural, and Economic Indicators of access to Information in Arab and non-Arab States", *Government Information Quarterly*, VOL. 27, pp: 360-370 .
- Relly, Jeannine, E. , Sabharwal, Meghna (2009) "Perceptions of transparency of government policymaking: A cross-national study", *Government Information Quarterly*, Vol. 26, PP: 148-157.

- RELYEA, HAROLD C (1980) "FREEDOM OF INFORMATION, PRIVACY, AND OFFICIAL SECRECY: THE EVOLUTION OF FEDERAL GOVERNMENT INFORMATION POLICY CONCEPTS", *SocialIndicators Research*, VOL. 7, PP: 137-156 .
- Suresh, LAL.B (2011) "Impact of Information and Communication Technologies on Women Empowerment in India", *Journal of Systemics, Cybernetics and Informatics*, Vol. 9, No. 4, PP: 17-23.
- Treinen, Sophie, Van der Elstraeten, Alice (2018) "Gender and ICTs: Mainstreaming gender in the use of information and communication technologies (ICTs) for agriculture and rural development", FAO, Rome, Italy .
- UNDP (2003) , "Access to Information: Practice Note", Available at www.undp.org .
- UNESCO (2011) , "FREEDOM OF INFORMATION: The Right To Know, Available at www.unesco.org .
- Van Deursen, Alexander J. A. M. and Van Dijk, Jan A. G. M (2015) "Toward a Multifaceted Model of Internet Access for Understanding Digital Divides: An Empirical Investigation", *The Information Society*, VOL. 31 (5) , PP: 379-391 .
- Williams, Raymond (1976) , "Keywords: A Vocabulary of Culture and Society", Oxford University Press, NY.
- www.ohchr.org .
- www.unesco.org .